

شاید سریال های تلویزیونی بیش از هر چیز روایت کردن فساد های اخلاقی و سیاسی دوره پهلوی را دوست داشته باشند. دست کم محمدرضا ورزی به روایت احوالات شاه و درباریان بیشتر علاقه نشان داده، آن هم در روایت هایی که اغلب صرفاً روایت تاریخ هستند. چنین تصویری را به شکل حاشیه ای می توان در «کلبه ای درمه» نیز دید



## نگاهی به عناصر اصلی بازنمایی عصر رضاخان در سریال های تلویزیون

# روزگار سپری شده مردم سالخورده\*



داستان «کلبه ای درمه» در عصر پهلوی اتفاق می افتد

این مقدار را هیچ کتاب تاریخی به روایت تردید نمی آمیزد. حتی باوجود این که انگلیسی ها، رضاخان را مبتنی بر این تحلیل به تخت شاهی برکشیده بودند که ایران نیازمند اقتدار (بخوانید خشونت و دیکتاتوری) یک نظامی است، باز هم ایران پس از دو دهه که از ریاست این شاه بی پشتوانه می گذشت، نه تنها باثبات تر نشد، بلکه در پایان کار او به ورطه آشفتگی سیاسی و امنیتی افتاد تا جایی که حتی میان زمامداران رده اول کشور هم برای هواداری از نیروهای متجاوز روس، انگلیس و آلمان رقابت در گرفت. همه اینها را در «معمای شاه» محمدرضا ورزی هم دیده ایم، اما مسعود جعفری جوزانی به جای روایت صرف روابط دربار، زاویه دید گویاتری را به تاریخ اتخاذ می کند.

او می نشیند جای توده های مردم که می توانند بخشی از کلام مخملی های مزدور یا دل داده به رهبران ملی و مذهبی، روزنامه نگار، معلم دبستان و حتی زن خانه دار باشند و بعد روایت می کند این آشفتگی ها در لایه های بالای حاکمیت پهلوی اول و تصمیمات نادرست دربار، عملاً چه تاثیری بر زندگی مردم می گذارد و نهایتاً آنها چگونه به این آشفتگی ها واکنش نشان می دهند. شکست روحی، فقر و بیماری خصوصاً در دوره اشغال، تصویری است که «در چشم باد» آن را به خوبی در ذهن مخاطبش، حک می کند.

### فساد سیاسی و اخلاقی

شاید سریال های تلویزیونی بیش از هر چیز این بعد ماجرا را دوست می داشته اند. دست کم محمدرضا ورزی به روایت احوالات شاه و درباریان بیشتر علاقه نشان داده، آن هم در روایت هایی که اغلب صرفاً روایت تاریخ هستند و از گریم تا دیالوگ ها و برش های مقاطع تاریخی، بیشتر سعی داشته اند تا به نص کتاب های تاریخی حتی به ادبیات آنها وفادار بمانند و کمتر تلاش کرده اند تا خوانش و تحلیلی مستقل از تاریخ داشته باشند. در این دست روایت ها معمولاً روی فساد سیاسی و فساد اخلاقی اهالی دربار تاکید شده است. وابستگی رضا شاه به انگلستان و فساد که از روی کار آمدن او تا زمان به زیر کشیده شدنش را به قدرت خارجی ارتباط می دهد، در چند اثر ساخته ورزی مانند «عمارت فرنگی»، «معمای شاه»، اندکی هم «سال های مشروطه» و البته «کیف انگلیسی» ضیاءالدین دری هم دیده می شود.

\* نام کتابی از محمود دولت آبادی

اگر از شما بپرسند عصر پهلوی اول یا همان دوران رضاشاه را با کدام گزاره ها یا مؤلفه ها به یاد می آورید، چه پاسخی خواهید داد؟ امانه؛ صبر کنید! قبل از آن که اصلاً مهم باشد پهلوی اول را با کدام گزاره ها شناخته اید، باید تلاش کنید ذهن تان را باکاوید و ببینید این گزاره ها را از کدام منابع دریافت کرده اید. آیا تصویری را که از آن دوران دارید، بیشتر مرهون کتاب های درسی تاریخ در زمان تحصیل تان است یا علاقه تان به تاریخ معاصر شما را به سمت مطالعات اضافه بر سازمان سوق داده یا شاید هم اصلاً بیشتر حجم این بازنمایی جا افتاده را مرهون سریال های تلویزیون یا حتی گزارش بخش های خبری و مستندهای کوتاه باشید؟ بدون تردید تلویزیون سهم مهمی در ساخت این تصاویر خصوصاً در ذهن جوان ترها داشته، چون هم خودمان می دانیم به عارضه کمتر کتابخوانی آن هم در موضوع به زعم بسیاری خسته کننده تاریخ، دچاریم و هم در هر صورت مدیوم تصویر، همواره به یادماندنی تر و تصویرسازتر از مدیوم کتاب عمل می کند؛ آن هم کتاب های ما که دست کم حتی رمان هم نیستند که به بهانه داستان، تاریخ را در ذهن خواننده ماندگار کنند. بنابراین اگر خوب ذهن تان را باکاوید، شما هم سهم زیادی را به تلویزیون، خصوصاً سریال ها و برنامه های نمایشی اختصاص خواهید داد. حالا بیایید ببینیم پرنگ ترین گزاره های تصویرساز درباره این دوره، چه بوده اند و در کدام سریال ها روایت شده اند.

فاطمه ترکاشوند  
روزنامه نگار

### خان گزیدگی

هر منبعی را که مرور کنید، چه تصویری باشد و چه کلامی، بی تردید دوره رضاشاهی را در آن مشحون از داستان های ارباب-رعیتی خواهید یافت. اگر سریال هایی را که داستان شان در دربار رضاخان و مناسبات میان آدم های دربار می گذرد، درز بگیریم؛ سایر سریال ها، عموماً ماجرای را میان مردمی روایت می کنند که در آن زمان زندگی می کرده اند. سریال هایی که در صدر آنها باید از «پس از باران» نام برد و داستان شان از مرادوات میان خان روستا یا ارباب ده با مردم آن و زیردستانش جدا نمی شود. ایران در دوران رضاشاه هنوز ایران کشاورز و دامدار و متکی به روستاست. اتفاقی که تغییر چهره ایران را به سمت ایران صنعتی در عصر پهلوی دوم شتاب می دهد. براساس همین مناسبات جامعه کشاورزی در ایران پیشاصنعتی است و با عبور از شکست مشروطه و اشغال ایران توسط متفقین است که دیکتاتوری رضاخانی تحکیم می شود و همین شیوه تعامل به روستاها و شهرها هم سرایت می کند. ولع رضاخان به تصاحب زمین و نشانند آدم هایش بر

### شکست روحی، فقر، بیماری

تاریخی اش این می شود که آشفتگی سیاسی خصوصاً در سال های آخر منتهی به اشغال در دهه ۲۰ شمسی در گوشه و کنار زندگی مردم بروز می کند.

قدرت هم در آتش این مناسبات ارباب-رعیتی میان دهقانان با صاحبان زمین ها می دمدم و داستان هایی نظیر آنچه در سریال «پس از باران» دیده ایم، خلق می شوند.

## روشنفکران شکست خورده

تاریخ نمی تواند از پایان مشروطه، سقوط قاجار و روی کار آمدن رضاشاه تا شهریور ۱۳۲۰ را بدون کنشگران روشن فکر آن دوره روایت کند. روشنفکرانی که برخلاف جمع آمدن شان ذیل این نام واحد، به شدت پراختلاف و متکثرند و شاید در هیچ برهه ای از تاریخ ایران، مفهوم روشن فکری به اندازه عصر پهلوی اول دچار تشتت نبوده باشد. نطفه این اختلاف ها البته در عصر مشروطه شکل گرفته اما حتی در آن مقطع هم به علت صف آرایی دو جبهه مخالف سلطنت و موافق مشروطه با رقبای شان، روشنفکران بیش از دو دهه بعد، توان هم فکر شدن یا دست کم هم جبهه شدن دارند. اما با تثبیت نسبی اوضاع پس از ربوده شدن سلطنت به دست رضاخان، تازه اختلافات ریشه دار قبل، فرصت بروز و ظهور پیدا می کند. با تمام اینها، راوی داستان های آن دوره در سریال های به یادماندنی تلویزیون، همین روشن فکرها هستند که دیگر به جز شمالی متجدد و مشاغل روزآمدشان، تقریباً معیار دیگری برای روشن فکر خواندن شان نداریم. «کیف انگلیسی» دری اساساً زیست طبقه روشن فکر در دهه ۲۰ شمسی را دستمایه روایت داستان شان قرار می دهد و «در چشم باد» جعفری جوزانی هم داستان شان را با پدر روزنامه نگار خانوادگی آغاز می کند که از طبقه متوسط و کنشگری سیاسی، اجتماعی و مذهبی دوران خود به شمار می آید. اما روشن فکرها از ملی-مذهبی روایت جوزانی گرفته تا آزادخواه به روایت دری (و حتی چپ ها که البته چندان اقبالی برای بازنمایی در تلویزیون نیافته اند) در این فیلم ها به رغم صدق نیت و تلاش فداکارانه شان، همان طور که تاریخ هم تصدیق می کند، هیچ شانسی برای پیروزی ندارند و نهایتاً سرخورده از این برهه تاریخی عبور می کنند.